



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۸/۰۹/۱۸

وليد پوپل

من محمد ظاهر شاه هستم

من در طول پادشاهی خود بدون کمک ها خارجی اقدار حاکمیت نظامی را به خودش اُسطور کرده بودم سرمایه کشور مربوط می شد به حاصلات زراعت و تولیدات صادرات و غیره زحمت کشی ها خود مردم غریب افغانستان. يك مامور پایین رتبه از طرف دولت در يك محل خیلی زیاد صلاحیت داشت بزرگترین خان پول دار و یا هر فرد که تحت سوال قرار می گرفت توسط چوپ ویا سوته به حکومتی با خیلی سرعت حاضرش می کردم. در وقت من ملاحظه طالب چلی حق صلاحیت را نداشت که قانون اساسی و یا سخن از تغییر قانون نماید به این طبقه اجازه نبود تا لباس پوشیدن زنان و مردان و یا طریق زندگی نمودن کسی را کنترل نماید گروپ ها خشن و احساساتی مانند حزبی ها سرخ و یا تنظیم ها سبز صرف شعار می دادند حق داشتن تنفنگ و فیرها هوایی را در روی سرک بازار کوچه نداشتند طوریکه امروز با بیرق دل خود شان با صد نوع لوچکی پیدا می شوند. بیرق داران سفید امروز اسم شان چلی ها بود که در آن وقت مصروف درس خواندن و یا مراسم مذهبی بودند بالای موتر سایکل ها با تفنگ گشت گذار نداشتند که استخبارات خارجی و همسایه ها با ایشان در گفت و گو باشند. کسانی که سرمایه می بود ایشان را وزارت مالیه تشویق به خریداری زمین جایدات می نمود تا جلو گیری از سرمایه گذاری ها در بیرون کشور گردد همه گمرک ها تحت نظارت من بود کسی نمی توانست پول را بدون اجازه دولت از کشور بیرون نماید.

هدف مشخص توزیع زمین رشد زراعت کشور و ایجاد کار برای مردم غریب ما بود. مکاتب شخصی فاکولته ها شخصی مدارس شخصی را کسی حق نداشت به دل خود ایجاد نموده و شاگردان متخصصین بی سواد را به جامع تقدیم نماید. بیرق داران سیاه در بندی خانه و یا پنهانی مصروف غارت جنایات بودند و بعضی وقت شعار شدید مذهبی را صرف به طور دزدانه به دیوار ها نوشته می کردند دیگر جرت همچو سر بریدن را نداشت. در زمان من دین مردم افغانستان فقط به پنج بنا مسلمانی بود در آن وقت انتحار انفجار جز ششم نبود. ممالک خارجی نخست با من مشوره می کردند که چی می خواهند کنند و یا چی پلان اقتصادی دارند یعنی اینطور مانند امروز نبود که پاکستان با چین ایران توافق نموده و اجازه عملی شدن پلان ها خود را از کشور ها بزرگ غربی بگیرند.

در این سرزمین دولت حکومت بود و مردم افغانستان صلاحیت دار این خاک بودند. دروازه ها مکاتب و پوهنتون ها به روی همه مردم افغانستان باز بود لیاقت و زحمت ایشان تعیین کننده رتبه و مقام شان می گردید ان وقت نه شناخت نه زبان بازی ، نه پول ، نه قدرت و نه مهمانی گداز اصلاً جای را نمی گرفت. هر کس خودش خود را خوب می شناخت که چقدر از فهم و دانش عزت بر خوردار است زبان خود را نظر به اندیشه سواد خود دراز می کرد.

مردم با سواد علاقه به مطالعه و نوشتن داشتند هر يك نظر به معلومات تاریخی حکومت ها گذشته را ارزیابی می کرد که در کدام دوران کدام پادشاه چی کارها را انجام داده بود بعد از مطالعه نظر خود را راجع به يك دوران می گفت، مانند امروز نبود که از زبان ماما کاکا خاله پدر مادر ریس حزب خود بگویند، خودشان از تفکر کله مغز خود حرف می زدند.

من در دوره پادشاهی خود خیلی غریب بودم اردو ملی و اداره ها دولت را از کمر واردات صادرات میوه و غیره تقویه می نمودم عسکر من با نان خشک و شوربا سرحدات کشور را نگاه می کرد موتر شخصی را اگر کسی می داشت باید دولت خبر می بود که به کدام پول خریداری کرده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

من حکومت گاندی هندوستان را خیلی دوست داشتم می خواستم حکومت دولت مردم من به پای خود مانند هندوستان استاده شوند و سیاست گاندی را تعقیب می نمودم.

ولی افسوس که ذهنیت ها انقلابی سرخ روسی پیدا شد و درعین حال اخوانی ها نیز علیه حکومت و دولت با کمک انگلیس توسط نماینده ها خود شعار می دادند کشور پاکستان همیشه از این نوع وطن فروشان مهمانوازی می کرد. پسر کاکا یم سردار داود با من چندین بار مشوره نمود که ما در بین قدرت ها غرب و روسیه قرار داریم نماینده هر دو طرف در کشور خیلی زیاد شده اند یعنی غربی ها اخوانی ها تربیه و رشد داده می رود به کمک پاکستان و همین طور روسیه پرچی و خلقی را تقویه و تربیه می نماید سردار داود می گفت نشود که مانند انقلاب فرانسه تمام خانواده شاهی نام بد و سرنگون گردد.

من برای تداوی خود بیرون از کشور شدم که سردار داود خان کودتا سفید نمود تمام فامیل مرا را بیرون از کشور روان کرد تنها خودش با فامیل خود باقی ماند تا وقتیکه قربانی کشور روسیه گردید.

امروز کسانیکه از اندیشه سالم افغانی برخوردار هستند این درک را کرده می توانند که مجموع بیرق داران سرخ ، سبز ، سفید سیاه به دستور کشور ها خارجی مبارزه و حکومت نمودند همه اشتباه بود فقط کشور خود را تباہ نمودید و خود را آواره بیچاره ساختید.

امروز تمام شعاد چی ها سیاسی امتحان خود را از وجب و جب خاک برای تاریخ افغانستان سپردند و از هر قوم قبیله مردم صاحب قدرت و صلاحیت شدند برای مردم افغانستان ثبوت شد که قبل از با سواد شدن بهتر است ملت خواب باشد اگر از خواب بدون سواد برخیزند کشور را نابود می کنند که چنین اتفاق صورت گرفت.

آن تعداد مردم اوباش کتره گو که من تهمت می نمایم گویا شاه عیاش بود می توانند به ثبوت برسانند که در کجا و با کی و یا با کدام عضو فامیل دوست رفیق شان در عیاشی بودم من هم مانند شما افغان بودم و به عزت خود و دیگران احترام داشتم.

اولاد ها من برادرزاده ها من و جمله فامیل من مانند دیگر افغان ها در مکتب و فاکولته نظر به سویه و استعداد خود حق شمولیت را داشتند.

دروازه همه سفارت ها و تکت فروشی طیاره به روی همه باز بود مردم افغان از رفتن به خارج و کار ها شاقه و کم سویه نفرت داشتند به غریبی خود خوش بودند اما کشور خود را ترک نمی کردند اگر برای تحصیل خارج هم می رفتند دوباره با اسناد تحصیلی به وطن بر می گشتند.

در زمان من مو سفیدان بزرگان همه مورد احترام قرار می گرفتند هیچ وقت تنهایی احساس نمی کردند به مجرد داخل شدن به کوچه و مسجد و دیگران مناطق مورد عزت حرمت قرار می گرفتند ولی حال همه پیشنی وی را می بینند که از کدام طایفه قوم زبان است.

در زمان من مردم اگر می خواست داخل کشور سفر نماید یعنی به منظور ازدواج ، کار و یا تفریح برایش در هیچ ولایت و هیچ قریه خطر و یا بیگانگی نبود حتا مورد مهمانوازی نیز قرار می گرفت و خوش آمدید گفته می شد امروز مردم ما در ولایت ها مختلف که خلاف لسان و زبان وی باشد نمی روند.

توریست ها خارجی درکنه ترین سماوات هتل قریه به قریه در گشت گذار بودند کسی حق نداشت به طرف شان به چشم بد ببینند و خود مردم افغانستان نیز احترام خاص برای خارجی ها داشتند.

من با فامیل خود جهت تفریح و سرگرمی به دوبی مانند رهبران امروزی نمی رفتم برای من باغ پر از میوه دهات دور افتاده با خاک گرد آن باغچه ها و زمین ها زراعتی مردم با نان ماست دوبی بود.

یگانه دلیل اتفاق و آرامش در زمان من فقط، فقط اتفاق مجموع مردم و اعتماد شان به دولت حکومت بود .

با احترام
محمد ظاهر شاه